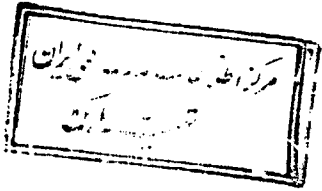


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۱۳۷۹ / ۱۱ / ۲۰

دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده معماری و شهرسازی
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد
معماری

موضوع: طراحی کانون بچه های خیابان

اساتید راهنما:

آقای مهندس شبیانی آقای مهندس فریدنی

استاد مشاور:

آقای مهندس شعبی

۰۹۷۵۳

نگارنده:

مژگان شبیری

سال تحصیلی: ۱۳۷۸-۱۳۷۹

۳۳۳۷۵

تقدیم به آدم، لحظه ای که سرود رهایی را خواند

و تقدیم به مادر، پدر و برادرم که با بردباری، یاری ام نمودند

از آقای مهندس شیبانی و آقای مهندس فریدنی و آقای مهندس شعیبی که در انجام این پروژه
صمیمانه یاریم دادند بسیار سپاسگزارم.

همچنین از آقای دکتر فریبرز ریس دانا، آقای دکتر احمد خالقی، آقای دکتر فرجاد، آقای سعید
مدنی و خانم جبلی که کمک‌های ارزنده خود را از من دریغ نکردند ممنون و سپاسگزارم.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ۱-۶

فصل اول - طرح مسئله ۶-۲۶

آیا جمعیتی به نام جمعیت بچه های خیابان در ایران وجود دارد؟

اهمیت توجه به موضوع "بچه های خیابان" در ایران

پیمان جهانی حقوق کودک و "بچه های خیابان"

قوانین مدنی ایران در مورد حقوق کودک

قانون کار در ایران و کودکان

ضرورت طراحی قانون بچه های خیابان

جمعبندی

فصل دوم - شناخت

بررسی ویژگی های جمعیت بچه های خیابان ۲۶-۵۹

«بچه های خیابان» چه کسانی هستند؟

آمار کودکان کار - (آمار بچه های خیابان)

سن و جنسیت «بچه های خیابان»

وضعیت خانوادگی

محل زندگی

تحصیلات

تفریحات

بهداشت

اهداف و آرزوها

کار

محل کار

عواقب کار کودکان

جمع‌بندی

علل وجودی جمعیت بچه‌های خیابان ۵۹-۹۷

علل و عوامل پیدایش «بچه‌های خیابان»

روند عمومی بحران‌های زاینده آسیب‌ها و مسایل اجتماعی در دنیا

بحران‌های جدی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص ایران در زمینه ایجاد

آسیب‌های اجتماعی

ساختار فقر و بیعدالتی و بزهکاری کودکان و نوجوانان در ایران

جمع‌بندی

پ- توسعه ملی و اهداف آن ۹۷-۱۰۳

توسعه اجتماعی، رفاه اجتماعی و سیاست اجتماعی

مفهوم و تعریف توسعه اجتماعی

رفاه اجتماعی

سیاست اجتماعی

فصل سوم: مطالعات موردی

سرگذشت چند کودک خیابانی ۱۰۴-۱۰۸

فعالیت ها و اقدامات انجام شده در ارتباط با "جمعیت بچه های خیابان" ۱۰۸-۱۱۴

کانون اصلاح و تربیت

سازمان بهزیستی کشور

شهرداری ها

خانه سبز

مؤسسات و مراکز خیریه و عام المنفعه مردمی

دیگر سازمان های دولتی

فعالیت های برخی کشورها ۱۱۴-۱۳۱

نظام سرپرستی کودکان در برزیل

شورای سرپرستی کودکان در مارینگا(برزیل)

فعالتهای دبیرخانه کودک در سائوپائولو (برزیل)

پروژه ملی برای کودکان خیابانی در فیلیپین

خودشناسی جوامع در فیلیپین

پروانه های دهلی نو

مرکز تربیتی جوانان ۱۳۱-۱۵۰

فصل چهارم: ضرورت و امکان مبارزه با فقر و تلاش در جهت رهایی کودکان

ضرورت و امکان مبارزه با فقر و رسیدگی به مسئله کودکان جهان ۱۶۴-۱۵۱

آموزش ستمدیدگان ۲۰۶-۱۶۴

فصل پنجم: «کانون بچه‌های خیابان» چگونه جایی است و چه اهدافی را دنبال

می‌کند؟

مطالعات جمعیتی کانون بچه‌های خیابان ۲۲۰-۲۰۸

شناسایی و جمع‌آوری بچه‌های خیابان

گروه‌های مختلف جمعیت «بچه‌های خیابان» (تفکیک بر اساس پیشینه)

چگونگی ارتباط گروه‌ها با یکدیگر

تفکیک 'بچه‌های خیابان' بر اساس گروه‌های سنی

تعداد جمعیت ساکن در کانون:

کارکنان کانون «بچه‌های خیابان»

اهداف اصلی کانون ۲۲۱-۲۲۰

نیازهای جمعیت کودکان خیابان با توجه به اهداف کانون ۲۳۶-۲۲۱

نیاز به خلوت و تنهایی

نیاز به مراکز روان‌درمانی

نیاز به مجهز شدن به ابزارهای هنری و خلاقیت

نیاز به فضاهایی جهت ارائه آثار خود و مکالمه با مردم از طریق این آثار

نیاز به فضاهایی جهت تجمع ساکنان برای بحث و گفتگو با یکدیگر

نیاز به فضایی جهت دیدار با آنانکه در گذشته او حضور داشته‌اند

نیاز به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

نیاز به پرورش حس مالکیت

نیاز به احساس امنیت

نیاز به بازی و تفریح

نیاز به تحصیل

نیاز به فراگیری حرفه و کار

نیاز به بهداشت

نیاز به تغذیه مناسب

۲۳۶ کانون و مردم

۲۳۶ کانون و خانواده‌ها و نزدیکان ساکنین آن

۲۳۶-۲۳۸ کانون و محققین و جمعیتها

۲۳۸-۲۴۰ کنترل کانون

۲۴۰-۲۴۴ فضاها و کاربریهای کانون

۲۲۴-۲۵۰ فصل ششم: معرفی سایت و تحلیل آن

دلایل انتخاب منطقه اوین جهت طراحی کانون بچه های خیابان

موقعیت زمین مورد نظر

شکل و مساحت زمین

توپوگرافی

بررسی مقاومت و نوع خاک

دسترسی ها

کاربری های عمده در اطراف زمین: (همجواری ها)

فصل هفتم: اقلیم ۲۵۰-۲۵۳

فصل هشتم: سازه ۲۵۳-۲۵۵

فصل نهم: تأسیسات ۲۵۵-۲۵۷

معرفی طرح

منابع و مأخذ

پیوست

مقدمه :

در ابتدا، هدف من طراحی قانون اصلاح و تربیت بود، قانونی که کودکان پس از ارتکاب کارهایی که در عرف جامعه، خلاف هستند به آنجا منتقل شوند. قانون و جامعه ای که تنها نتیجه را می بیند نه راه را؟! راهی کشیده است که انتهای آن قانون اصلاح و تربیت است و از کودکی که در این راه گام نهاده می خواهد با تکیه بر وجدان پاک خویش و چشم داشتن به روز جزا، بیراهه ای انتخاب کند که نه به قانون - که به بهشت موعود - ختم شود. از او می خواهد به گرسنگی اعتنا نکند و با پاکی و انسانیت در انتظار صدقه ای بنشیند که انسانهای خیر، از سر انسانیت به او تقدیم می دارند و ایمان بیاورد که این تحقیر نیست، ترحم نیست، که سرنوشت اوست. از او می خواهد حسود نباشد، به کودکی همسال خویش که سوار بر اتومبیل لوکس خود در کنار پدر و مادر مهربان خویش لم داده است و بایی اعتنائی با گذشتن از برابر او خروارها دود را نثار هیکل نحیفش می کنند با مهربانی بنگرد و اگر پدر کودک از سر شفقت آدامسی، فالی و یا گلی از او خرید و نگاهی سرشار از ترحم بر او ارزانی داشت، تشکر کند و بر نیکوکاری انسانها و جبر سرنوشت ایمان بیاورد. از او می خواهد پرخاشگر نباشد و با ایمان به دنیای دیگر و بهشت وعده داده شده ناملايمات را پذیرفته و ایمان بیاورد که :

چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند گراندگی نه به وفق رضاست خرده مگیر

مهربان باشد و سختی ها را با لبخند تحمل کند! اگر شب زیر پل یا در گوشه خیابان می خوابد چه باک؟! روزی پایان خواهد یافت و زندگی ارزش چنین تفکراتی را ندارد. باید به خود تلقین کند، اگر از گرسنگی در خود رمقی نیافت مبدا دزدی، که حرام است و نتیجه اش آتش و عذاب! گریه کند، التماس کند، گدایی کند، به تکه گوشتی بی هویت، به سایه ای بی معنا بدل شود که هر کس به راحتی می تواند پایمالش کند بدون آنکه احساس کند بر انسانی، بر روحی و بر

جانشین خداوند گام نهاده است ، و اگر روزی سرش را بلند کرد ، قامتش را از زیر بارهای سنگین تحقیر بیرون کشید و بر دیوار فقر، نداری، درد و تحقیر و ... حمله کرد و چراها را پیش کشید و با سنگ فریاد، شیشه کاخی را شکست که ریشه تحقیر اوست ، اگر به جای التماس فریاد کشید، مستحق اصلاح و تربیت است ، مستحق تبعید است ، مستحق مجازات است ، باید او را موعظه کرد ، چاره‌ای نیست باید دل او را خوش کرد ، جامعه طبقاتی است و او دوباره به همان جامعه بر خواهد گشت پس بگذارید با این نصایح به انسانی منفعل ، به سایه ای در حاشیه بدل شود که خطری برای آنان که می خواهند بیشتر داشته باشند، نباشد. فقط نپرسد چرا چنین است ؟ تفاوتها را جدی نگیرد ، بگذارید با ترساندن از آتش و عذاب ، با وعده عذابی ابدی و با وعده هایی خوش و سوق دادن او به دنیای خیالی خویش و تنها راز و نیاز ، به معبدی ذهنی رانده شود که گرسنگی و فقر و درد اساس رهبانیت اوست ، بگذارید به فقرش افتخار کند و به دردش نیز! حال که جامعه نباید تغییر کند نگذارید تضادها را بشناسد. بزرگترین هنرکانون اصلاح و تربیت در چنین جامعه‌ای ، ساختن قصری ذهنی و تبعید او به این قصر است که در خیال، او در اوج می نشیند و هیچ باری بر واقعیت جامعه تحمیل نمی کند و هیچ ثروتمندی را آزوده خاطر نمی سازد. آری کانون اصلاح و تربیت در چنین جامعه ای نقشی بیش از این نمی تواند داشته باشد. در کانون اصلاح و تربیت ما "ابوذر" جایی ندارد "علی" نمی تواند جایی داشته باشد و "حسین" نیز! جوهره قیام حسین را کسی نباید بشناسد.

"ظلم تکه آهنی است که در زیر چکش ستمگر و بر سندان ستم پذیر شکل می گیرد"
این گفته "علی" و تفکر اینگونه "علی" که "علی" را "علی" می کند، در کانون جایی ندارد و سرانجام "ابوذر" ، آنجا که فریاد بر می آورد :

"تعجب می کنم از کسی که حتی تکه نانی در خانه اش یافت نمی شود چگونه در حالی که

شمشیر را بر دستهای خود به اهتزاز درآورده است بر مردم خروج نمی کند؟"

آری اسلام در کانون اصلاح و تربیت اسلام بدون علی، بدون حسین و بدون ابوذر واقعی است چون طرح آنان و گفته هایشان با ذات جامعه و کانون در تضاد است. کانون اصلاح و تربیت در این جامعه انسانی مؤثر و پرسشگر نباید بسازد چون در اینصورت تک تک افراد جامعه و قوانین اجتماعی و... را استیضاح خواهد کرد. تربیت چنین انسانهایی یعنی آشکار ساختن تضادهایی که در بطن جامعه وجود دارند و روز به روز بیشتر رشد می نمایند. وظیفه کانون اصلاح و تربیت در چنین جامعه ای پرورش انسانی بی خطر و منفعل است، در سطح حرکت کردن بدون تعمق در لایه های اجتماع و در علتها و ریشه ها!

چه باید کرد؟

آیا باز هم باید کانونی ساخت که ساختاری چون کانونهای پیشین دارد؟ آیا باز هم باید منتظر نشست تا تعدادی از افراد جامعه - که میتوانند انسانهایی مؤثر باشند - (به طور عمده به دلیل فقر) مرتکب خلاف شوند و پس از محاکمه به درون کانون اصلاح و تربیت حال فرض می کنیم بهشت موعود باشد - تبعید شوند؟ و پس از خروج از کانون با سوء سابقه به میان جامعه ای بازگردند که هیچ تفاوت ماهوی با جامعه پیشین نکرده است؟ آیا باز هم باید در کانون، پرخاشگری را از میان برد و با وعده های دروغین انسانی بی خطر آفرید؟ و سؤال مهم این است:

آیا پیش از ورود فرد به کانون و پیش از ارتکاب خلاف نمی توان چاره ای اندیشید؟

در پی پاسخگویی به سؤالات فوق بر آن شدم تا با شناخت تضادهایی که در دل تفکرات سنتی و تکراری و درون نگرشهای کلیشه ای به این جمعیت، که گاه فراموش می شود هر عضو آن انسانی است با گرایشها و علائق و استعدادهای متفاوت، این پوسته های ساختگی و سنتی را در هم بشکنم و طرحی نو در اندازم.

اولین گام در راه تحقق این طرح نو ایجاد تمهیداتی است که پیش از ورود فرد به کانون اصلاح و تربیت راه ها و چشم اندازهایی دیگر را در پیش پای این کودکان بگذارد.

با تحقیق در مورد کانون های اصلاح های تربیت و مطالعه بعضی مقالات و مشاهده کودکان خیابان به این نتیجه رسیدم که تعداد زیادی از جمعیت کانونهای اصلاح را کودکان خیابان، که جمعیت نسبتاً جدیدی هستند تشکیل می دهند که تعدادی از آنان نیز عمداً مرتکب خلاف می شوند با این آرزو! که به کانون برده شوند و پناهگاهی امن بیابند؟!!!!! این کودکان به طور عمده زاییده فقر و اختلاف طبقاتی می باشند و در اکثر موارد راه آنان به کانون و در نهایت به زندان ختم می شود. پس با ایجاد کانون بچه های خیابان می توان:

اولاً از ورود آنان به مرکز اصلاح و تربیت جلوگیری نمود.

دوماً از جمعیت کانون اصلاح کاست.

در این مرکز چندین هدف دنبال خواهد شد:

- شناسایی کودکان خیابان و ایجاد بانک اطلاعاتی و تحقیق در علل ایجاد این جمعیت و ارائه راه حلی در جهت محو این جمعیت.
- اصلاح این کودکان و تبدیل آنان به افرادی که تأثیرگذار و کارا هستند.
- تلاش برای تغییر جهت حس پرخاشگری و نه برای تبدیل آنان به افرادی آرام و بی خطر.
- تربیت افراد جامعه در ارتباط با این جمعیت و تغییر نگرش آنان نسبت به این کودکان و آشتی دادن جامعه با این افراد.

اما هر یک از اهداف فوق در دل خود تضادی را می پروراند:

- تلاش برای محو جمعیت کودکان خیابان مستلزم شناخت علل ایجاد این جمعیت است

اندیشه‌های نوین در معماری ایران

که با توجه به دور ریشه اصلی پیدایش آنان یعنی فقر و فاصله طبقاتی که روز به روز در کشور ما افزایش می‌یابد با تضادی اساسی در ساختار اندیشه ایجاد چنین مراکزی مواجه خواهیم شد!

● هدف، اصلاح این کودکان و تربیت آنان به عنوان افرادی مؤثر و در نهایت بازگرداندن و آشتی آنان با جامعه است به جامعه‌ای که خود مولد این افراد می‌باشد و این نیز یک تضاد در ساختار اندیشه ایجاد این مرکز است.

این تضادها در اساس تفکر ایجاد این مرکز وجود دارد، اندیشیدن به آنها - یعنی به تضادها - نه به منزله عقب نشینی است که خود سبب آفرینش ساختار جدیدی خواهد شد!

رشد و آشکار شدن این تضادها ساختار تفکرات سنتی و کلیشه‌ای را در هم می‌ریزد و بنای اندیشه‌ای ساده لوحانه و خوش بینانه را نسبت به این گونه حرکتها فرو خواهد ریخت.

پایه تفکر طراحی این بنا بر شالوده‌عریان کردن تضادها و فرو ریختن پوسته تفکرات ساده لوحانه و سطحی‌نگر می‌باشد که همواره بدون تعمق در لایه‌های درونی این فاجعه به حرکتهای ظاهری و سطحی بسنده نموده است.

● مصداق کالبدی این ذهنیت، حمله به ساختارهای سنتی و محافظه کارانه می‌باشد.

در آغاز راه باید ببینیم که آیا اولاً جمعیتی به نام جمعیت "بچه‌های خیابان" در ایران وجود

دارد؟

ثانیاً توجه به موضوع "بچه‌های خیابان" در ایران تا چه حد حائز اهمیت می‌باشد؟ و در

نهایت آیا طراحی "کانون بچه‌های خیابان" ضرورتی دارد؟